

زهره کهندل | اکبر عبدی، طناز ملی، بازیگر همه‌فمن حریف و چهره نوستالژیک نسل‌ها در غروب دلگیر جمعه گذشته، قلبش از تپیدن ایستاد و صحنه زندگی را برای همیشه ترک کرد.

این بازیگر سرشناس کشورمان که در ۶۶سالگی دار فانی را وداع گفت، پیکرش صبح امروز روی دستان دوستانارانش از مقابل تالار وحدت تشییع و در قطعه هنرمندان به خاک سپرده خواهد شد.

او نقش‌هایی به یاد ماندنی ایفا کرده بود و سال‌ها لیخند را بر لب میلیون‌ها ایرانی نشاندد. اکبر عبدی یکی از شگفت‌انگیزترین و پرکارترین بازیگران سینمای ایران و یکی از چهره‌های اثرگذار در دوران طلایی سینمای ایران بود. او هم با اسطوره‌هایی همچون علی حاتمی، مهرجویی و تقوایی همکاری کرده بود و هم با فیلمسازان کمتر شناخته شده و گمنام.

دستاوردهای این بازیگر چنان ارزنده بود که شاید بازی‌هایش در معدود فیلم‌های کمدی کم‌ارزشی که از سر فشار بار معیشت بوده و بابتش با افتادگی و خشوع از مردم عذرخواهی کرده بود، وزن حضور او در عرصه بازیگری را کم نکنند. اکبر عبدی بخشی از حافظه جمعی مردم بود و با نقش آفرینی‌های ماندگارش در آثاری چون اجاره‌نشین‌ها (داروش مهرجویی)، گراند سینما (حسن هدایت)، ای ایران (ناصر تقوایی)، دزد عروسک‌ها (محمدرضا هنرمند) و سفر جادویی (ابوالحسن داودی) به یکی از شاخص‌ترین بازیگران معاصر تبدیل شد، اما بی‌شک بازی ماندگار او در مادر (علی حاتمی) که برایش سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد را به ارمغان آورد، نقطه اوج فعالیت این هنرمند به شمار می‌رود.

در تاریخ سینمای ایران، کمتر بازیگری را می‌توان یافت که مانند اکبر عبدی هم در آثار کمدی و هم در نقش‌های جدی به یک اندازه اثرگذار بوده باشد. او طی بیش از چهار دهه فعالیت هنری، نه‌تنها یکی از محبوب‌ترین چهره‌های سینما و تلویزیون ایران بوده، بلکه با خلق شخصیت‌هایی متفاوت، نگاه به بازیگری کمدی را نیز تغییر داده است. عبدی از آن دسته بازیگرانی است که مخاطب او را صرفاً با خنداندن به یاد نمی‌آورد؛ بلکه توانایی‌اش در جان‌بخشیدن به شخصیت‌های پیچیده، از پیرزن و مرد میانسال گرفته تا نوجوان، موجب شده در زمره بازیگران صاحب‌سبک سینمای ایران قرار گیرد.

عبدی علاوه بر فعالیت‌های تلویزیونی و تئاتری، تجربه بازی در بیش از ۱۰۰ فیلم سینمایی را داشت و همواره با اضمای خود، به آفرینش خلاقانه و پرانرژی نقش‌ها پرداخته بود. او که کسب‌نشان درجه یک فرهنگ و هنر را در کارنامه دارد، در دوره هشتم جشنواره برای فیلم «مادر» و در دوره سی‌ام جشنواره برای فیلم «خواهم می‌آد» سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را بدست آورد و سه بار (در دوره یازدهم برای فیلم هنرپیشه، در دوره هفدهم برای فیلم جنگجوی پیروز و در دوره سی و یکم برای فیلم رسوایی) نامزد دریافت سیمرغ بلورین شده بود. اگرچه اکبر عبدی رفته‌ا اما همچنان نام و یادش در آثاری که بازی کرده، زنده است و هیچ‌گاه از حافظه جمعی ایرانیان پاک نخواهد شد.

■ **بازیگری که منحصر به فرد بود**

ابوالحسن داوودی که با دو فیلم «سفر جادویی» و «نان، عشق و موتور ۱۰۰۰» در مقام کارگردان با این بازیگر فقید همکاری داشته به خبرنگار ما می‌گوید: معمولاً قدر این شخصیت‌های منحصر به فرد را در زمان حیاتشان نمی‌دانیم و وقتی چشم از جهان می‌بندند، آه و فغان سر می‌دهیم. من از چهار دهه پیش با اکبر عبدی کار کردم و با او در ارتباط بودم، واقعاً یک شخصیت منحصر به فرد بود، یعنی همان اندازه که در بازیگری و در ارتباط با گروه و کارگردان، گاهی سرکشی و نافرمان بود، در مواردی هم که گروه خوبی در اختیار داشت و با کارگردان فیلم همراه می‌شد، آثار ماندگاری خلق می‌کرد. البته بازی‌های ضعیف و متوسط هم در کارنامه کاری‌اش داشت که مانع نبوغش می‌شد. گاهی قدر خودش را نمی‌دانست و کارهایی را قبول می‌کرد که چندان هم شأن یا ظرفیت و استعدادش نبود.

او با اشاره به سابقه همکاری‌اش با اکبر عبدی یادآور می‌شود: در هر دو این فیلم‌ها، اگر اکبر نبود طبعاً این آثار در ذهن تماشاگران ماندگار نمی‌شدند. بازی عبدی در بسیاری از فیلم‌ها موجب ماندگاری آن فیلم‌ها می‌شد.

داوودی اضافه می‌کند: اکبر عبدی در بازیگری دو ویژگی متفاوت داشت؛ گاهی یک بازیگر سرکش و نافرمان می‌شد که به اختیار خودش کار می‌کرد ولی در کارهایی که دوستشان داشت، فیلم‌نامه و گروه خوبی داشت و نقش

زوم

■ **بی‌رفیق شدم**

جمشید هاشم‌پور در واکنش به درگذشت اکبر عبدی نوشت: رفیق شفیقم، در حرفه بازیگری بی‌رفیق شدم. داشتنت غنیمتی برای سینمای ایران بود. در این روزهای سخت و دردناک در کنار تو لحظاتی غم‌ها و غصه‌ها را فراموش می‌کردیم اما صد حیف که در کنارمان نیستی. جای دیگر می‌بینمت عزیز مهربان.

■ **مهربان ترین بازیگر ایران بودی**

مهران غفوریان، بازیگر در پستی برای اکبر عبدی نوشت: اکبر جانم، خدا نگهدارت، اکبر جونم چه‌طوری باور کنم که دیگر نیستی؟ دلگیرترین جمعه عرم امروز شد اکبر جونم، اکبر جونم، عمو اکبرم، من با کی درد دل کنم تا منو آروم کنه اکبر؟ خدایا اکبرمون آمد پیش خودت که آفریننده بزرگ‌ترین و بااستعدادترین و مهربون‌ترین بازیگر ایران بودی؛ اکبر عبدی بزرگ رفتی پیش آفریننده

یادی از چهره‌بی‌همتای سینمای ایران در گفت‌وگو با چهار کارگردانی که مرحوم اکبر عبدی در فیلم‌هایشان بازی کرده‌بود:

ابوالحسن داوودی، مهدی صباغ‌زاده، علی ملاقلی‌پور و وحید موسائیان

راز محبوبیت یک ابر کمدین



خوب و شایسته به او ارائه می‌شد، بازیگری مطیع و در اختیار کارگردان بود که کار با او را بسیار لذت‌بخش می‌کرد. کارگردان «هزارپا» درباره ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی این بازیگر معتقد است این ویژگی‌های ظاهری و توانایی‌اش در ارائه نقش‌های مختلف موجب می‌شد هر نقشی را بپذیرد و یکی از گرم‌خورترین چهره‌های سینمایی را داشت. ضمن اینکه به راحتی می‌توانست هر نقشی را دربیاورد، از یک کودک گرفته تا یک زن لوند یا پیرزن و پیرمردی از قومیت‌های مختلف با لهجه‌های متفاوت.

به باور او، اینکه هر نقشی را می‌توانست بازی کند سبب شد نتواند دوره‌های مختلف بازیگری‌اش را برنامه‌ریزی کند و از همان ابتدای کار، هم نقش کودک را بازی می‌کرد هم نقش پیرمرد را ولی پس از اینکه مرحله سوپرستاری را رد کرد، برای ادامه معاش و حیات هنری‌اش، مجبور بود یک سری نقش‌ها را بازی کند که در شان او نبود.

■ **کمدینی مثل او دیگر نمی‌آید**

وحید موسائیان، کارگردان «گوشواره» که فیلمی براساس داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی بود و اکبر عبدی در دهه ۸۰ در این فیلم بازی کرده بود به خبرنگار ما می‌گوید: سینمای ایران هر وقت آدم مهمی را از دست داد، دیگر جایگزینی برای او پیدا نشد و این جایگزین نشدن، سینما را به چنین وضعیتی دچار کرده است. اکبر عبدی یک استوانه برای سینما بود، با رفتن او، حرکت سینمای کمدی کند شد و خودش هم یکی از منتقدان کمدی‌های ضعیف بود.

به باور او، بعید است دیگر کمدینی به پای موفقیت‌های

عبدی در خلق تیپ‌ها و شخصیت‌های مختلف برسد و فقدانش ضربه بزرگی برای سینمای ایران است. او درباره مسیر بازیگری اکبر عبدی می‌گوید: یکی از شانس‌های سینمای ایران در دهه ۶۰ حضور اکبر عبدی بود که از تلویزیون به سینما آمد و با کارگردان‌های بزرگی کار کرد. حتی در فیلم‌های متوسط و رو به پایینی که به اجبار بازی می‌کرد، باز هم تأثیر خودش را می‌گذاشت و آن قدر استعداد عجیبی داشت که در هر نقشی قرار می‌گرفت، دیندی می‌شد.

موسائیان اضافه می‌کند: این اواخر به خاطر بیماری‌اش، کم‌کار شده بود و اگر می‌توانست بازی کند شاید چند فیلم خوب دیگر به تاریخ سینما در عرصه کمدی اضافه می‌شد. که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. البته اوضاع سینما هم شرایط کار خوب را برایش به وجود نیاورد چون سینما از کارگردان‌های خوب و نگاه رقابتی، تهی شده است در حالی که در دهه ۶۰ این‌طور نبود.

این کارگردان معتقد است سینما اهمیت و استعدادهایش را از دست داده، در حالی که حیات یک هنرمند به حضور و اثرش است و وقتی دیده نشود یا حذف شود، بیمار می‌شود. آقای عبدی در دوره‌ای، سالی چند فیلم بازی می‌کرد و وقتی به دوران یختگی‌اش رسیده بود، تعداد کارهای خوبی که به او پیشنهاد می‌شد بسیار کم بود. به گفته موسائیان، اکبر عبدی که در جوانی، «آدم برقی» را بازی کرده بود با این تجربه و دانش، چقدر استادانه می‌توانست نقش‌های ماندگار دیگری را بازی کند، ولی وقتی چنین نقش‌هایی نبود، جایی برای عرض اندام نداشت و ما نمی‌توانایی او را در بازیگری ندیدیم.

کارگردان «گلچهره» با بیان اینکه اکبر عبدی یک مکتب و

این فیلمساز معتقد است: متأسفانه در سال‌های اخیر، هم کارگردان‌های ما کم‌مایه شدند و هم دیگر از اکبر عبدی نقش خاصی را نخواستند بلکه به معدود نماها و لحظه‌ها اکتفا کردند، به همین دلیل شخصیت عمیقی در آثار متأخر ایشان شکل نگرفت هرچند بیماری جسمی هم در شرایط کاری‌شان بی‌تأثیر نبود.

ملاقلی‌پور با تأکید بر اینکه دیگر بازیگری مثل او نداریم که از پس نقش‌ها و ژانرهای گوناگون برآید؛ از نقش بچه گرفته تا پیرزن و از ژانر کمدی گرفته تا تراژدی، خاطرنشان می‌کند: بازی ایشان در سکانس افتتاحیه فیلم «هنرپیشه» بی‌نظیر است و در فیلم «دزد عروسک‌ها» هم نقشی تماشایی داشت. اگرچه این بازی‌ها، او را در حرفه‌اش متمایز کرد اما جزو بازیگرانی است که جوایز زیادی ندارد و در سال‌هایی که نقش‌های ماندگار بازی کرد به دلیل زد و بندهایی که در جشنواره فیلم فجر وجود داشت، جوایز را به بازیگران و فیلم‌های دیگری دادند اما واقعیت این است که نه آن فیلم‌ها ماندگار شدند و نه آن بازیگرها.

به باور وی، هر هنرمندی هم‌وزن با تلاشی که دارد محبوبیت پیدا می‌کند و اکبر عبدی هم تلاش‌های فوق‌العاده‌ای که طی سال‌ها داشت از او یک بازیگر تک و ویژه ساخت که فقدانش در سینمای ایران احساس می‌شود.

■ **بی‌نقاب بود و مردمی**

این کارگردان می‌گوید: امیدوارم نسل جدید مسیر حرفه‌ای ایشان را بررسی کنند تا منش و روش استاد در حوزه بازیگری را بی‌گیرند. ایشان بسیار مردمی بود. وقتی سر صحنه با هم کار می‌کردیم اصلاً خودش را نمی‌گرفت و با همه صمیمی بود، برای همین همه او را «عمواکبر» صدا می‌کردند چون خاکی و مشتی بود. اصلاً نفاق و دورویی نداشت، بلکه خودش بود برای همین این قدر محبوب و مردمی شد. الان خیلی از آدم‌ها با نقاب‌هایشان زندگی می‌کنند ولی او خودش بود. ای کاش استادانی همچون داروش مهرجویی و علی حاتمی در قید حیات بودند و می‌شد از آن‌ها درباره اکبر عبدی پرسید چون حظ فراوان در

همکاری با اکبر عبدی را این دو بزرگوار برده بودند. او با بیان اینکه «قندون جهیزیه» نخستین کارش بود و اکبر عبدی که در اوج شهرت بود، همکاری با یک فیلمساز جوان را پذیرفت، می‌گوید: وقتی فیلم‌نامه را خواند، دوست داشت. با هم صحبت کردیم و احساس کرد که می‌تواند با یک کارگردان جوان همکاری کند. بسیار پرانرژی بود و ایده‌های بسیار خوبی داشت، فکرش سیال بود و دوست نداشت کم بگذارد. همیشه، بیشتر از آنچه بود که انتظارش را داشتم. این کارگردان سینما با بیان اینکه در کمدی، استاد بود و شیرین و به‌اندازه بازی می‌کرد چون در شناخت لحظه‌های کمدی متبحر بود، یادآور می‌شود: یکی از کسانی که به بازیگری سینمای ایران وزن داد، اکبر عبدی بود. هنوز هیچ بازیگری نقش یک معلول ذهنی را به زیبایی آنچه او در فیلم «مادر» بازی کرد، ایفا نکرده است.

■ **به سکانس‌ها جان می‌داد**

مهدی صباغ‌زاده، کارگردان فیلم «بدلکاران» که در دهه ۷۰ با اکبر عبدی همکاری داشت، به خبرنگار ما می‌گوید: او یکی از اعجوبه‌ها و دستاوردهای بزرگ سینمای ایران بود. بسیار بااستعداد و متمرکز در کارش بود. در هر ژانری، استاد بازیگری بود. مانند اکبر عبدی نداشتیم و نخواهیم داشت و معلوم نیست دیگر مانند او بیاید، اکبر عبدی یکی از بهترین‌ها بود که از میان ما رفت. این فیلمساز پیشکسوت کشورمان درباره ویژگی‌های اکبر عبدی خاطرنشان می‌کند: خلاقیت‌ها و ویژه‌ای در کارش داشت و نبوغی را بروز می‌داد که کاملاً در راستای فیلم‌نامه و فضای صحنه بود. سعی می‌کرد به سکانس‌ها و صحنه جان بدهد و به هنرپیشه‌های اطرافش هم کمک می‌کرد و تلاش داشت کار آن‌ها هم بهتر شود. او با اشاره به محبوبیت اکبر عبدی یادآور می‌شود: او چنان واقعی، باورپذیر و اثرگذار بازی می‌کرد که مخاطب با نقش‌هایش ارتباط می‌گرفت و بازی‌هایش در ذهن مردم ماندگار می‌شد. به‌همین دلیل مردم قدرشناس اکبر عبدی بودند چون دوستش داشتند. کاش تا هنرمندان زنده‌اند، قدرشان را بدانیم نه اینکه وقتی از دنیا می‌روند. به گفته صباغ‌زاده، این‌ها هنرمندانی هستند که خاک صحنه خوردند و عاشق کارشان بودند. اکبر عبدی ذاتاً هنرپیشه و هنرمند بود؛ درس این حوزه را نخونده بود و کلاس بازیگری هم نرفته بود بلکه ذات هنرمندی داشت.

دادی. جایت همیشه در سینمای ایران و در قلب مردم این سرزمین خالی خواهد ماند. روح‌ت شاد مرد بزرگ. یاد‌ت ما همیشه با ماست.

■ **نامی جاودان برای خودت بر جا گذاشتی**

امیرکربلایی‌زاده، بازیگر با انتشار پستی از زنده‌یاد اکبر عبدی نوشت: بازیگر آرتیست کسی است که در تمام طول عمر خود در سینم مختلف و در نقش‌های متفاوت نقش آفرینی داشته و توانسته شخصیت و کاراکترهایی را خلق کند که در ذهن مخاطب ماندگار شده.

اکبر عبدی توانست در طول سال‌های عمرش با نقش آفرینی در آثار متنوع و پدیرش چالش نقش‌های مختلف جایگاهی را رقم بزند که شاید کمتر کسی به آن رسیده یا خواهد رسید. عمو اکبر عبدی من به شخصه از شما بسیار آموختم و در هر بار صحبت با شما کلی درس گرفتم، روح‌قرین آرامش چه حیف که این قدر زود از بین ما رفتی، اما قطعاً نامی جاودان برای خودت بر جا گذاشتی. روح‌ت شاد.



■ **یکی از نسل عاشقان سینما کم‌شد**

علی ملاقلی‌پور، کارگردان «قندون جهیزیه» که در دهه ۹۰ اکبر عبدی در این فیلم نقش آفرینی داشت به خبرنگار ما می‌گوید: ایشان بسیار عاشق کارش بود و شد چون سینما دیگر پدیده عجیب و غیر قابل دسترسی نبود، دوربین‌های زیاد، عشق به سینما را کم و دم‌دستی کرد. به گفته او، بازیگرها و کارگردان‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰، عاشق سینما بودند و در دوره‌ای تربیت شدند که مثل آن‌ها کمتر پیدا می‌شود و شاید دیگر بازیگری مثل اکبر عبدی نیاید. او نقش‌های ماندگاری که در فیلم‌های «مادر» و «اجاره‌نشین‌ها» بازی کرده بود را در مردم جامعه وام گرفته و با نقش‌هایش زندگی می‌کرد، شاید الان کمتر بازیگری را ببینیم که با نقش‌هایش زندگی کند.



■ **منمون برای تمام لحظه‌هایی که با هنرت به ما هدیه دادی**

نعیمه نظام‌دوست، بازیگر با انتشار ویدئویی از عکس‌های زنده‌یاد اکبر عبدی برایش نوشت: عمو اکبر جانم، باور رفتنت برای ما که سال‌ها با هنرت، با خنده‌ها و با آن قلب بزرگت زندگی کردیم، خیلی سخته... تو فقط یک بازیگر بزرگ نبودی؛ تو بخشی از خاطرات چند نسل از مردم این سرزمین بودی. رفتن آدم‌هایی مثل تو، فقط یک داغ برای خانواده نیست... داغی برای دل همه ماست. عمو اکبر عزیزم، ممنون برای تمام لحظه‌هایی که با هنرت به ما هدیه